

یادداشت

مشو نموید!

حسن فرامزی

خبری عجیب در رسانه‌ها منتشر شده که بیشتر شیبه سناریوهای مهیج فیلم‌های سینمایی است. سناریوهایی با محوریت زندگی یک محکوم به اعدام، باریک شدن فاصله میان زندگی و مرگ به اندازه یک تان مو، با تعلق ور رگه‌های پرتنگی از هراس و امید که با ضرباهنگی حرفه‌ای تماشاگر را تا پایان فیلم میخکوب روبروی پرده سینما یا صفحه تلویزیون می‌نشانند با این تفاوت که در اینگونه فیلم‌ها اگر چه التهاب به اوج خود می‌رسد، اما تماشاگر در گوشه ذهن خود می‌اندومی تواند حسزند پس ضدقهرمان قهرمان فیلم در نهایت نجات خواهد یافت.

اما خبر این بوده‌مردی که به خاطر قتل محکوم به اعدام شده بود و خانواده اوایی دم نیز تحت هیچ عنوانی حاضر به رضایت نبودند در دوره زندان در کنکور کارشناسی ارشد شرکت می‌کند و با رتبه ۴۱ در رشته مهندسی عمران ساز دانشگاه خواجه نصیر قبول می‌شود. با این همه شیرینی قبولی در این آزمون قرار نیست دوام چندانی داشته باشد، چون مرد محکوم به اعدام، در ست ۲۴ ساعت بعد از قبولی برای اجرای حکم به قرطیبه برده می‌شود و این یعنی او فقط صبح روز فردا می‌تواند قالب زمینی خود تجربه کند.

با این حال فردای روز بعد مثل یک معجزه اجرایی حکم قضایی به تعویق می‌افتد و اعلام می‌شود خانواده مقتول مشروط به پرداخت دیه جهت انجام امور نیکوکاری – محکوم به مرگ را بخشیدند.

خبر را که می‌خوانید ممکن است بسته به تجربه زیستی تان عبارت از جمله‌ای در ذهنتان بدرخشد. خبر را که می‌خوانم این تکه از کلام روح‌انگیز حافظ در من بیدار می‌شود. همین مشو نموید، چون واقف نه‌ای از سز غیب/ باشد اندر پرده بازی‌های پنهان غم مخور.

این روزها بسیاری از ما ممکن است در زندگی‌مان گرفتار بازی‌های پیچ در پیچ و تودرتویی باشیم که علی‌الظاهر هیچ دست‌گری‌گشا یا راهکاری برای حل آن نمی‌توان یافت. با این همه همه آموزه‌های دینی ما وهم‌مرور ماجراهای عبرت‌انگیزی که در همسایگی چشم و گوش مامی گذرند، نشان می‌دهد دست غیب و نقیصه ۹۰ و حتی گاهی بیشتر از آن در وقت‌های اضافه ادامه دار د.

این روزها این بیشارت الهی قلب همه ما رمی‌تواند گرم نگه‌دارد: «وَ قَالَ الْيَهُودُ بَدَأَ اللَّهُ مَعْلُولَهُ غَلَتْ أَيْدِيهِمْ/ وَيَتَوَلَّوْا مَا قَالُوا أَلَيْسَ لَنَا مُبَدِّلُ مَا نُفَعِي كَيْفَ يَشَاءُ / يُهْدُوا قُلُوبَهُمْ/ دَسْتِ خدایست‌استه به واسطه این گفتمان دست آنها بسته شده و به لحن خدا گرفتار گردیدند، بلکه دو دست خدا گشاده است و هر گونه بخواهد انتقام می‌کند».



دزد گردنبندهای طلايي گرفتار پلیس شد

سارق تک‌رو که با پرسه در خیابان‌های شمال تهران گردنبندقاپایی می‌کرد، سرانجام گرفتار پلیس شد.

به گزارش جوان، سرهنگ علی اصغر خانی، رئیس کلانتری ۱۰۱ تجریش گفت: روز و روز قبل مأموران عملیات کلانتری ۱۰۱ تجریش در حال گشت‌زنی در خیابان اندرزگو بودند که به راکب یک دستگاه موتورسیکلت با پلاک مخدوش مظنون شدند. در حالی که مأموران پلیس برای بررسی بیشتر به موتورسیکلت نزدیک می‌شدند، راکب از حضور پلیس خیرخور و به سرعت از محل متواری شد. بعد از آن بود که عملیات تعقیب و گریز به جریان افتاد و مأموران موفق شدند با اجسرای طرح مهار موتورسیکلت را متوقف و متهم را بازداشت کنند. مأموران در بازرسی از متهم یک قبضه سلاح سرد و چهار رشته گردنبند طلا و ۱۷ بسته مواد مخدر شیشه کشف کردند. متهم در بازجویی‌های بعدی به سرقت‌های سریالی به این شیوه اعتراف کرد. تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر جریان دارد.

بازداشت عاملان چاقوکشی در پیاده‌راه سلامت شیراز

فرمانده انتظامی شهرستان شیراز از دستگیری عاملان چاقو کشی در پیاده‌راه سلامت خبر داد. سرهنگ فرج شجاعی گفت: شامگاه پنج‌شنبه مأموران کلانتری ۳۳ گلدشت شیراز در جریان تماس شهروندان با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ از درگیری در پیاده‌راه سلامت یخبزر و در محل حاضر شدند. وی ادامه داد، بررسی‌ها نشان داد حادثه منجر به زخمی شدن یک نگهبان شهرداری شده که وی به مرکز درمانی منتقل شد و وضعیت رضایت‌بخش اعلام شده است.

سرهنگ شجاعی گفت: عاملان حادثه که دو مرد جوان بودند، بازداشت شدند و تحقیقات بیشتر در این باره جریان دارد.

جلال مهرگان

پرونده دختری که به اتهام معاونت در قتل پدرش در بازداشت سه سسر می‌یزد، در حالی در دادگاه کیفری یک استان تهران بررسی شد که عامل جنایت خونین سه قصاص محکوم شده‌است.

برونده قتل یکی از کارکنان دیوان عالی عدالت اداری ۱۰ سال قبل در منطقه آب باریک ورامین به جریان افتاد. روز حادثه مأموران پلیس با دریافت گزارش حادثه تیراندازی در خانه ویلایی، خود را به محل رساندند. بررسی‌ها نشان داد مردی میانسال به نام مهدی که از کارکنان دیوان عالی عدالت اداری بود، با شلیک دو گلوله از ناحیه شکم و کتف هدف قرار گرفته و به علت شدت جراحات جانش را از دست داده‌است. با حضور بازپرس، جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات برای بازداشت عامل یا عاملان حادثه جریان پیدا کرد.

وقتی تحقیقات میدانی نشان داد مهدی با اعضای خانواده‌اش اختلاف شدید خانوادگی دارد، بررسی‌ها در این باره ادامه پیدا کرد. تحقیقات پلیس در ساره تماس‌های دختر خانواده مشخص کرد او از مدتی قبل با مردی به نام محمد تماس داشته‌است. محمد از مجرمان سابقه‌دار بود که بارها به اتهام ارتکاب جرائم مختلف بازداشت شده‌بود، بنابراین محمد به عنوان مظنون بازداشت شد. او در اولین بازجویی‌ها به قتل مهدی اعتراف کرد و گفت دختر مقتول که فریب‌ناام دارد به او فرمان قتل داده‌بود.

با اطلاعاتی که متهم در اختیار پلیس گذاشت فریبا هم بازداشت شد و به همدستی در قتل اعتراف کرد. با کامل شدن بررسی‌ها، بازپرس محمد را به اتهام مباشرت در قتل و فریبا را به اتهام معاونت در قتل مجرم شناخت و پرونده برای بررسی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد. در جلسه رسیدگی به پرونده اوایی‌دم برای محمد درخواست قصاص کردند. فریبا وقتی در جایگاه قرار گرفت، اتهام معاونت در قتل را قبول نکرد. او در شرح ماجرا گفت: پدرم مردی سختگیر بود و مدام من و مادرم را اذیت می‌کرد. ما از دست اذیت‌های

ححوالات

سرویس حوادث، ۸۸۹۸۴۳۵

متهم: فرمان قتل ندادم

او خسته شده‌بودیم و راه به جایی نداشتیم تا اینکه تصمیم گرفتیم از رفتار پدرم انتقام بگیریم. برای این کار به دنبال فردی بودم که بتواند پدرم را گوشمالی بدهد. یک روز که به مؤسسه آموزشی خواهرم رفته بودم، با محمد آشنا شدم. او برادر یکی از دوستان خواهرم بود. دوباره مشکلاتی که داشتیم با او حرف زدیم. او گفت حاضر است به درخواست من عمل کند، اما قرار نبود دست به قتل بزند.

محمد وقتی در جایگاه قرار گرفت، اتهامش را قبول کرد و گفت: روزی که به دیدن خواهرم در یک مؤسسه آموزشی رفته بودم با فریبا آشنا شدم. خواهر فریبا مدیر آن مؤسسه بود. او گفت که از دست رفتارهای پدرش خسته شده و از من خواست در قبال پول، پدرش را به قتل برسانم. او ۲۰ میلیون تومان پول و دو انگوی خودش را به من داد تا نقشه را اجرا کنم.

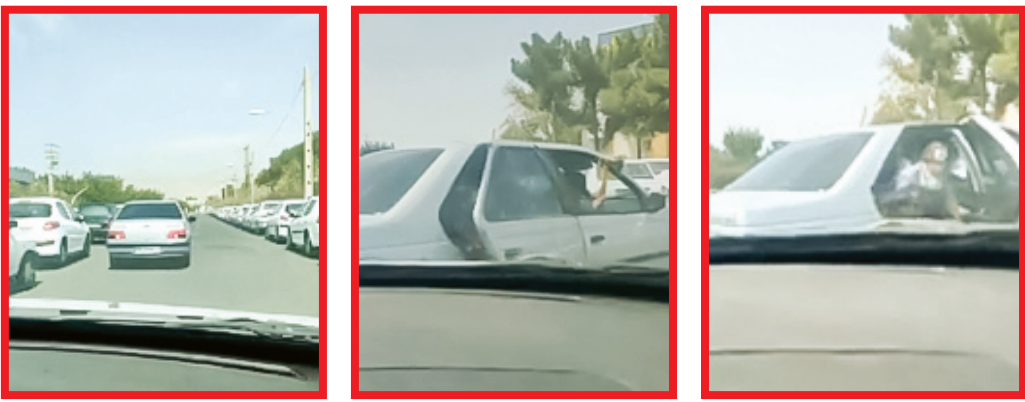
متهم در شرح حادثه هم گفت: روز حادثه فریبا به من خبر داد که پدرش در خانه تنهاست. با اطلاعاتی که به من داد خودم را به آنجا رساندم و با شلیک دو گلوله نقشه را کامل کردم که بعد بازداشت شدم.

هیئت قضایی بعد از ختم جلسه، محمد را به قصاص و فریبا را به تحمل زندان محکوم کرد. رأی دادگاه با اعتراض فریبا در دیوان عالی کشور بررسی شد. اعتراض فریبا از سوی قضات دیوان مورد پذیرش قرار گرفت و پرونده برای بررسی به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد.

فریبا وقتی مقابل هیئت قضایی قرار گرفت، بار دیگر اتهام معاونت در قتل را قبول نکرد. او گفت من از دست پدرفтары‌های پدرم خسته شده‌بودم. او من و مادرم را مدام اذیت می‌کرد تا اینکه از رفتارش خسته شدم. تصمیم گرفتم او را گوشمالی بدهم. محمد هم قرار بود این کار را بکند، نه اینکه دست به اسلحه ببرد و مرتکب قتل شود. متهم ادامه داد: من فقط دو انگوی خودم را به او دادم و دستمزد ۲۰ میلیونیی پرداخت نکردام.

هیئت قضایی بعد از شنیدن آخرین دفاع متهم، وارد شور شد.

کلیپ‌هایی که پلیس را به مجرمان می‌رساند



هستند، گفتند در حال سرقت بودند که متوجه شدند سرشنین خودروی کوییک دارد از آنها فیلم می‌گیرد، برای همین آنها را دنبال و خودروی‌شان را تخریب کردند».

■ **ابزار کشف جرم**

انتشار این دسته از کلیپ‌ها با وجود اینکه نگرانی را در باره شیوع ناامنی گسترش می‌دهد، با این حال به عنوان ابزار رسانه‌ای مهم برای کشف جرم محسوب و سبب می‌شود پلیس به دلیل نگرانی‌های ایجاد شده بابت انتشار این دسته از فیلم‌ها، عاملان آن را به سرعت شناسایی و بازداشت کند. از جمله کلیپ‌هایی که منجر به طرح مباحث بسیاری در باره ضرورت برخورد شدید با جرائم شد، انتشار کلیپ زورگیری مرد افغان از زاننده خودرو در بزرگراه یابیش بود. ۲۳ مرداد ماه شهروندی که در ترافیک بزرگراه یابیش مستأصل مانده‌بود، وقتی متوجه شد مردی چاقو به دست در حال زورگیری از یک زاننده زن است، با گوشی تلفن همراهش فیلم حادثه‌را ثبت و سپس در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد، با انتشار فیلم و در حالی که هیچ سرنخی از سارق در دست نبود، کارآگاهان پلیس آگاهی توانستند چند ساعت بعد متهم را در مخفیگاهش در جنوب تهران شناسایی و او را بازداشت کنند. تحقیقات در ساره این پرونده خیلی زود انجام و متهم با روایت‌های عنوان شده بخشی از جرائم بسیاری

کامل شدن تحقیقات در دادگاه انقلاب محاکمه شده‌است. بدبختی است در صورتی که انتشار این کلیپ‌ها صورت نمی‌گرفت، مشخص نبود عاملان آن تا چه مدت می‌توانستند به حیات مجرمانه خودشان ادامه دهند. آنها در صورتی که بازداشت می‌شدند با مجازاتی خفیف‌تر از آنچه انتظار می‌شدند. از جنجالی‌ترین پرونده‌ها سارقانی بودند که ۱۲ آذرماه سال ۹۱ انتشار فیلم آنها جنجال زیادی در جامعه به راه انداخت. آن روز چهار پسر زیر ۲۴ سال سوار بر موتور راه مردی از خیابان خردمندند سعد کردند. آنها با تهدید چاقو پول‌های او را سرقت و کاپشن او را هم از تنش خارج کردند و به طرز هولناکی وی را مضربات قمه هدف قرار دادند و فرار کردند. قرار متهمان، پایان رفتار مجرمانه‌شان نبود، بلکه با انتشار فیلم در فضای عمومی جامعه خیلی زود شناسایی و بازداشت شدند. به دلیل وحشتی که انتشار فیلم در جامعه به راه انداخته بود، آنها به عنوان مستهدف‌فی‌الارض در دادگاه انقلاب محاکمه و دو نفر از عاملان حادثه به اعدام در آلام محکوم شدند که حکم در باره آنها اجرا شد. دو متهم دیگر هر کدام به ۱۰ سال زندان و پنج سال تبعید شدند که حکم در باره آنها اجرا شد.

■ **حوزه برخورد**

روایت‌های عنوان شده بخشی از جرائم بسیاری است که کشف آن با انتشار کلیپ‌ها ممکن شده‌است. بدبختی است در صورتی که انتشار این کلیپ‌ها صورت نمی‌گرفت، مشخص نبود عاملان آن تا چه مدت می‌توانستند به حیات مجرمانه خودشان ادامه دهند. آنها در صورتی که بازداشت می‌شدند با مجازاتی خفیف‌تر از آنچه انتظار می‌شدند. از جنجالی‌ترین پرونده‌ها سارقانی بودند که ۱۲ آذرماه سال ۹۱ انتشار فیلم آنها جنجال زیادی در جامعه به راه انداخت. آن روز چهار پسر زیر ۲۴ سال سوار بر موتور راه مردی از خیابان خردمندند سعد کردند. آنها با تهدید چاقو پول‌های او را سرقت و کاپشن او را هم از تنش خارج کردند و به طرز هولناکی وی را مضربات قمه هدف قرار دادند و فرار کردند. قرار متهمان، پایان رفتار مجرمانه‌شان نبود، بلکه با انتشار فیلم در فضای عمومی جامعه خیلی زود شناسایی و بازداشت شدند. به دلیل وحشتی که انتشار فیلم در جامعه به راه انداخته بود، آنها به عنوان مستهدف‌فی‌الارض در دادگاه انقلاب محاکمه و دو نفر از عاملان حادثه به اعدام در آلام محکوم شدند که حکم در باره آنها اجرا شد. دو متهم دیگر هر کدام به ۱۰ سال زندان و پنج سال تبعید شدند که حکم در باره آنها اجرا شد.

■ **حوزه برخورد**

روایت‌های عنوان شده بخشی از جرائم بسیاری

تأثیرات صدور کيفرخواست قاتل شهيد کيوان لو

■ **سردار حسين رحيمی***



پلیس آگاهی قدم می‌زنند؟ شاید اگر به گونه‌ای از این افراد که با اعمال مجرمانه خود امنیت جامعه را بر هم می‌زنند، زهر چشم گرفته می‌شد، اینان توبه می‌کردند و هرگز به طرفه‌العینی توبه نمی‌سختند

و بدمستی نمی‌کردند.

بدون شک و به طور حتم در جریان اتفاق افتادن جرمی مثل سرقت، کمیّت و مقدار چیزهایی که به سرقت برده‌می‌شود، در مرتبه دوم اهمیت قرار دارند، آنچه در درجه اول اهمیت دارد، خدشه و آسیب است که به امنیت شهروندان وارد می‌شود. وقتی از حمله‌ای سرقتی می‌شود، هر چند ممکن است اموال یک واحد مسکونی به سرقت برده شود، ولی به طور حتم می‌توان گفت که امنیت روانی محله یا هر کسی که متوجه سرقت می‌شود، مخدوش می‌شود. با حسایی سرانگشتی می‌توان متوجه شد چه خسران بزرگی متوجه امنیت روانی جامعه شده‌است. اتفاق بزرگی که از با احتی نمی‌توان آن را جبران کرد، از این‌رو باید با عاملان این حوادث به گونه‌ای برخورد شود که دیگر کسی به خود امکان دست‌درازی به اموال دیگران را ندهد و سارقان به گونه‌ای تنبیه شوند که تنبیه آنها دیگرانی را که این خیال‌خام را در سر می‌پرورانند، متنبیه کند. آیا نباید دست افرادی را که به ناموس و اموال و امنیت مردم دست درازی می‌کنند، قطع شود تا دیگر کسی جرئت تعدی به اموال و امنیت دیگران را به خود ندهد؟ صدور کيفرخواست قاتل شهيد ستوان دوم کيوان لو در کوتاه‌ترين زمان ممکن مؤيد مجرمان از شنيدن نام آگاهی بر خود می‌لرزیدند و کاسه چه کنم، چه کنم به دست می‌گرفتند.

چه کرد،ای که امروز سارقان را به رزم اینک بارها دستگیر شده‌اند، اینچنین آسوده‌خاطر و بدون هیچ‌گونه دلهره و نگرانی با دستبند و حتی پایبند در محل



زوج قاچاقچی گرفتار پلیس شدند

فرمانده انتظامی استان گیلان از بازداشت زوج قاچاقچی با محموله حبشیش و تریاک خبر داد.

به گزارش جوان، سردار عزیزالله ملکی گفت: دو روز قبل مأموران پلیس در ایست و بازرسی رودبار هنگام کنترل خودروهای عبوری به یک دستگاه خودروی سواری رانا که از جنوب به شمال در حرکت بود، مشکوک شدند و برای بررسی آن را متوقف کردند. وی با اشاره به کشف ۲۱ کیلوگرم حبشیش و ۲۰ کیلوگرم تریاک در بازرسی از خودرو گفت: متهمان که زوج ۳۵ و ۴۱ ساله بودند، بازداشت شدند و تحقیقات از آنها جریان دارد.

مفقودی

کلیه اسناد اعم از برگ سبز و کارت موتورسیکلت کاوان ۱۲۵ مدل ۱۳۹۹ به شماره انتظامی ایران ۱۸۶۱۱/۳۹۸ و شماره تنه ۰۱۵۲۲NBYEHBGDL۱۴۰۱۶۱ و شماره موتور ۰۴۵۶NBV۷۳۰۴۴NBMفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.
تبریز

آگهی حصر وراثت

آقای حسن شفیعی قهفرخی دارای شناسنامه شماره ۲۳۴۹ به شرح دادخواست به کلاس ۵/۱۴۰۱/۲۶۹ از این شورا در خواست گواهی حصر وراثت نموده و جنین توضیح داده که شادروان شهین سمیع به شماره شناسنامه ۲۰در تاریخ ۱۳۰۶/۱۴۰ در اقامتگاه دائمی خود بدردود زندگی گفته، ورثه حین‌الغوت آن مرحوم منحصراست به:

۱- حیاتقلی شفیعی قهفرخی فرزند نجفقلی ش‌ش: ۱۳ همسر متوفی؛
۲- حسن شفیعی قهفرخی فرزند حیاتقلی ش‌ش: ۲۳۴۹ فرزند متوفی؛
۳- حمید شفیعی قهفرخی فرزند حیاتقلی ش‌ش: ۴۳۱۵۲۱/۴۶۱۰ فرزند متوفی؛
۴- جواد شفیعی قهفرخی فرزند حیاتقلی ش‌ش: ۴۶۱۰۲۷۹۴۵۲ فرزند متوفی؛
۵- امید شفیعی قهفرخی فرزند حیاتقلی ش‌ش: ۸۱۵ فرزند متوفی؛
۶- الهام شفیعی قهفرخی فرزند حیاتقلی ش‌ش: ۶۲ فرزند متوفی؛
ولاغیر.

اینک با انجام تسریفات مقدماتی درخواست مزبور را یک مرتبه آگهی می‌نماید تا هر کس اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نژداو باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک‌ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.
رئیس شورای حل اختلاف شماره ۲۰فر خضر حوزه قضایی شهرکرد